

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه فرهنگیان - پردیس نسیم تهران

گروه الهیات

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته علوم قرآن و حدیث

عنوان

## واکاوی مفهوم جهل و جحد و پیامدهای آن در تربیت دینی

نگارنده

افخم خاتمی

استاد راهنما

دکتر بی بی سادات رضی بهابادی

استاد مشاور

دکتر جواد مداحی

مهر ۱۳۹۶

کلیه دستاوردهای ناشی از این تحقیق متعلق به

دانشگاه فرهنگیان، پردیس نسیم تهران است.

تقدیم به پیشگاه نورانی و قدسیّه

حضرت زهرا (س)، قرآن ناطق

و خورشید هستی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نور چشم منتظران؛ او  
که زیر چتر نگاهش زندگی می کنیم و سر بر آستان ولایت و محبتش نهاده ایم.

## تشکر و سپاس

سپاس خدای راست که علم و دانش را سرلوحه انسان قرار داد و توفیق به پایان رساندن این پایان نامه را به اینجانب ارزانی داشت.

بر خود لازم می‌دانم به موجب «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» از همه کسانی که بنده را در راه به ثمر رسیدن این پژوهش یاری نمودند، تقدیر و تشکر به عمل آورم.

از عنایات مشحون از لطف استاد گرانقدر دکتر رضی بهابادی که تنظیم این پایان نامه به راهنمایی عالمانه و دلگرمی‌های ایشان صورت گرفت بسیار سپاسگزارم.

از همفکری‌های ارزنده استاد محترم دکتر مداحی که زحمت مشاوره این اثر را پذیرفتند، کمال سپاس‌گزاری و قدردانی را دارم.

همچنین از پدر و مادر مرحوم عزیزم که دعای خیرشان همواره بدرقه راهم بوده سپاس‌گزارم و از خداوند خواستارم همواره آمرزش الهی نصیبشان گردد و ثواب این اثر را به روح این بزرگواران تقدیم می‌نمایم.

## چکیده

تربیت انسان الهی و برپایی جامعه دینی از اهداف آموزش و پرورش در جامعه اسلامی است. در این راستا هر چند آموزه های دینی در کتب درسی به صورت مستدل و علمی ارائه شده است، لیکن برخی دانش آموزان در عرصه عمل به آن پایبند نیستند و این مسئله تهدیدی جدی در از بین رفتن ارزشها تلقی می گردد. به نظر می رسد این پدیده غالباً ناشی از ضعف معرفتی نبوده، بلکه بیشتر با امور نفسانی و روانی ویژه سالهای جوانی نظیر لجاجت، سطحی نگری، پندارگرایی، تقلید کورکورانه، غرور و...، ارتباط پیدا می کند. با بررسی و موشکافی آموزه های دینی می توان راهبردهایی را جهت حل این مشکل اتخاذ نمود. پژوهش حاضر با هدف واکاوی و بررسی جهل و جحد در متون دینی سعی دارد تا راهکارهایی را جهت بهبود کارآیی روشهای تربیت دینی موجود در کتب آموزشی ارائه نماید. یافته های این تحقیق نشان می دهد: جهل دارای دو معناست. ۱- نا آگاهی ( جهل در تقابل علم) که امری معرفتی است، ۲- نابخردی و سفاهت ( جهل در تقابل عقل) به معنای نسنجیدگی که امری گرایشی است، جحد به معنای انکار آگاهانه است که امری گرایشی و نفسانی محسوب می گردد. بر این اساس؛ جحد با جهل به معنای نا آگاهی تفاوت ماهوی دارند، لیکن جحد یکی از مصادیق جهل به معنای سفاهت و نابخردی است. جهل بسیط و مرکب، جهل علمی و عملی از گونه های جهل هستند. انکار نعمت و آیات نیز از اشکال جحد در قرآن است. انکار نعمت شامل نعمت های مادی و معنوی بوده و انکار آیات شامل انکار بینات و امور آشکار است. فرایند تربیت دینی شامل دو اصل مهم و ضروری است که با آن می توان تغییر بینش و گرایش در نسل جوان ایجاد کرد: ۱- مقابله با جهل، که در این فرایند ارتقای سطح معرفتی اساسی ترین راه مقابله با آن است. ۲- مقابله با جحد که از روش های مقابله با آن روش استدلال، گفتار سدید، تحریک ایمان و ... است. در تربیت دینی توجه به ویژگی های فطری از مهمترین اصول مبارزه با انکار در تربیت دینی است.

واژگان کلیدی: جهل، جحد، انکار، عقل، تربیت دینی

## فهرست مطالب

مقدمه .....	۱
فصل اول کلیات	
۱-۱- طرح پژوهش .....	۴
۱-۱-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش .....	۴
۱-۱-۲- پرسش‌های پژوهش .....	۵
۱-۱-۳- فرضیه‌های پژوهش .....	۵
۱-۱-۴- روش پژوهش .....	۶
۱-۱-۵- پیشینه پژوهش .....	۶
۲-۱- مفهوم‌شناسی .....	۷
۱-۲-۱- جهل .....	۸
۱-۲-۱-۱- مفهوم لغوی جهل .....	۸
۱-۲-۱-۲- جهل در اصطلاح علم اخلاق .....	۹
۱-۲-۱-۳- جهل در قرآن .....	۹
۱-۲-۱-۳-۱- بسامد جهل .....	۹
۱-۲-۱-۳-۲- معنای جهل در قرآن .....	۱۱
۱-۲-۱-۳-۳- واژه های قریب المعنای جهل .....	۱۲
۱-۲-۱-۳-۴- واژه های متقابل جهل .....	۱۴
۲-۲-۱- جحد .....	۱۸
۱-۲-۲-۱- معنای لغوی جحد .....	۱۸
۲-۲-۲-۱- جحد در قرآن .....	۱۸
۱-۲-۲-۲-۱- بسامد جحد .....	۱۸
۲-۲-۲-۲-۱- معنای جحد در قرآن .....	۱۹
۳-۲-۲-۲-۱- واژه‌های قریب المعنای جحد .....	۱۹
۴-۲-۲-۲-۱- واژه‌های متقابل جحد .....	۲۳
۳-۲-۱- تربیت دینی .....	۲۴
* جمع‌بندی .....	۲۶
فصل دوم: جهل در آموزه‌های دینی	
۱-۲- گونه‌های مختلف جهل .....	۲۸
۱-۱-۲- جهل بسیط و مرکب .....	۲۹
۱-۱-۱-۲- جهل بسیط در آیات قرآن کریم .....	۳۱
۲-۱-۱-۲- جهل مرکب در آیات قرآن کریم .....	۳۳
۳-۱-۱-۲- رابطه جهل مرکب با جهل بسیط .....	۳۷
۲-۱-۲- جهل علمی و عملی .....	۳۷

۳۸	عقل نظری و عقل عملی
۴۰	عقل نظری در قرآن و روایات
۴۲	عقل عملی در قرآن و روایات
۴۴	رابطه عقل نظری و عقل عملی
۴۵	جهل علمی
۴۸	جهل عملی
۵۳	رابطه جهل عملی با جهل علمی
۵۴	عوامل تحقق جهل
۵۶	آثار جهل
۵۶	آثار دنیوی جهل
۶۰	آثار اخروی جهل
۶۲	* جمع‌بندی

### فصل سوم: جحد در آموزه‌های دینی

۶۶	۱-۳-گونه‌های جحد
۶۶	۱-۱-۳-انکار نعمت
۶۹	۲-۱-۳-انکار آیات
۷۳	۲-۳-عوامل تحقق انکار از منظر قرآن کریم
۸۵	۳-۳-آثار انکار
۸۵	۱-۳-۳-آثار دنیوی انکار
۸۸	۲-۳-۳-آثار اخروی انکار
۹۱	* جمع‌بندی

### فصل چهارم: راهکارهای مقابله با جهل و جحد (انکار) در فرآیند تربیت دینی

۹۴	۱-۴-اصول مقابله با جحد در فرآیند تربیت دینی
۹۵	۱-۱-۴-نظریه تربیت دینی
۹۷	۲-۱-۴-عوامل مؤثر در تربیت
۹۸	۳-۱-۴-نقش علم در تربیت دینی
۹۹	۴-۱-۴-نقش معلم در شکل‌گیری ایمان
۱۰۰	۵-۱-۴-اصول اساسی در تربیت دینی
۱۰۱	۱-۵-۱-۴-اصل توجه به همه ابعاد وجود متربی
۱۰۱	۲-۵-۱-۴-توجه به ویژگی‌های فطری نسل جوان
۱۰۲	۲-۴-راهکارهای مقابله با جهل
۱۰۲	۱-۲-۴-اصل ارتقای سطح معرفتی متربیان
۱۰۵	۳-۴-راهکارهای مقابله با جحد
۱۰۵	۱-۳-۴-اصل اصلاح شرایط
۱۰۷	۲-۳-۴-اصل تعقل
۱۱۱	۳-۳-۴-اصل مسؤولیت
۱۱۱	۴-۳-۴-اصل صداقت
۱۱۲	۵-۳-۴-اصل تذکر



۱۱۴.....	۴-۳-۶- اصل اعتدال.....
۱۱۶.....	* جمع بندی .....
۱۱۸ .....	نمودارها و جدول ها.....
۱۲۵ .....	نتیجه گیری.....
۱۲۷ .....	یافته های پژوهش .....
۱۲۸ .....	پیشنهادات .....
۱۲۹.....	فهرست منابع.....
۱۳۵ .....	چکیده انگلیسی.....

## مقدمه

انقلاب اسلامی ایران با هدف بازسازی تمدن اسلامی و تربیت انسان‌های الهی با هدایت حضرت امام خمینی (ره) شکل گرفت. رویکرد تمدن اسلامی مستلزم انعکاس اندیشه‌های الهی و اسلامی در همه ابعاد فردی و اجتماعی است؛ در این منظر نهاد آموزش و پرورش به عنوان مهمترین نهاد نظام تربیتی و معرفتی و فرهنگی در کشور دارای نقش حائز اهمیت است، زیرا ارتباط معلمان با دانش آموزان همیشه در تحولات فرهنگی و دینی کشور سرنوشت ساز بوده است، از این رو در طی سه دهه تلاش شده است تا گام‌های اساسی برای بازسازی نظام تعلیم و تربیت کشور بردارد، اما مشاهده می‌شود نظام آموزش و پرورش به رغم تلاش‌هایش، نتوانسته کارکرد مورد انتظار را داشته باشد، این پدیده در برخی موارد ناشی از ضعف معرفتی (جهل) دانش آموزان بوده اما بیشتر با امور نفسانی و روانی (جحد) بوده است که به عوامل مختلفی نظیر لجاجت، سطحی‌نگری، پندار گرایی، تقلید کورکورانه، غرور و استبداد رأی ... نسل جوان مرتبط می‌باشد. از سوی دیگر، دشمنان اسلام با تخریب ارزش‌ها و باورهای اسلامی، تلاش می‌کنند بین دو قشر (نسل جوان و نسل انقلابی)، گسست ایجاد کنند و با جریان‌های مختلف فرهنگی و سیاسی فراوان و با جاذبه‌های گوناگون در صدد فریب جوانان هستند، در نتیجه، به نظر می‌رسد، نگرش نسل جوان، به ارزش‌های دینی با نگرش جوانان و نوجوانان در اوائل انقلاب متفاوت شده است، پس برای جلوگیری از تلاش‌های دشمنان و مقابله با چنین حجمه‌هایی، معلمان باید با نسل جوان رفتار مطلوبی داشته باشند؛ زیرا با رفتار مطلوب، معلمان می‌توانند رسالت سنگین خود را انجام دهند و نسل جوان را از جهت معرفتی، رفتاری و اخلاقی تأمین و از گزند آسیب‌های فردی و اجتماعی حفظ کنند. به نظر می‌رسد با توجه به آموزه‌های قرآنی، مربیان بایستی به تفاوت بین جهل (عدم علم - نادانی) و جحد (انکار با وجود آگاهی - لجبازی) توجه نمایند حال آنکه مشاهده می‌شود مربیان در برخورد با دانش آموزان برخوردی یکسان دارند.

حال این نوشتار در پی آن است که بداند، قرآن و روایات چه مؤلفه‌هایی برای رفتار مطلوب با جاهلان و جاحدان، پیشنهاد می‌نماید، تا براساس آن بتوانند با نسل جوان، تعاملی سازنده و مطلوب در جهت احیای ارزش‌های اسلامی، داشته باشند. این پایان‌نامه در چهار فصل تنظیم گشته، فصل اول کلیات پژوهش، و دارای دو بخش است، که در آن بعد از بیان طرح، اهمیت، پرسش‌های پژوهش، فرضیه‌ها و پیشینه، در بخش دوم آن؛ به بیان مفهوم شناسی جهل و جحد اختصاص یافته است. فصل دوم در تبیین گونه‌های جهل؛ جهل بسیط، مرکب، علمی، عملی، عقل نظری و عملی، عوامل و آثار دنیوی و اخروی جهل با استناد به آیات و روایات ترسیم شده است. فصل سوم در بیان گونه‌های جحد به تبیین جحد نعمت و جحد آیات پرداخته، و سپس عوامل و آثار آن مطابق آیات و روایات ترسیم شده است، در فصل چهارم نظریه تربیت دینی، عوامل مؤثر، نقش علم، اصول اساسی در تربیت دینی بیان گردیده، و سپس راهکارها و روش‌های مقابله با جهل و جحد ذکر شده است و در انتهای این فصل نتایج و پیشنهادات و منابع آورده شده است.

# فصل اوّل

## کلیّات

## ۱-۱- طرح پژوهش

### ۱-۱-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش

آسیب‌های دینی می‌تواند عوامل گوناگون داشته باشد ولی مجموع آنها در دو بعد ظهور پیدا می‌کند. بعد اول مربوط به عقاید و معرفت دینی و بعد دیگر مربوط به عمل و رفتار دانش آموزان می‌باشد. بدیهی است توجه به هر دو بعد از مهمترین دغدغه‌های سازمان آموزش و پرورش است. جایگاه و اهمیت بحث وقتی بیشتر روشن می‌گردد که به نقش دین مانند ایمان به خدا، عمل به دستورات دین، به عنوان مهمترین عوامل تأثیرگذار در پیشرفت همه جانبه کشور اسلامی توجه کنیم. حال عدم توجه به اصول و مبانی اعتقادی اسلام و یا بی توجهی به رویکرد عملی، که مهمترین اهداف آموزش پرورش را تشکیل می‌دهد ممکن است منجر به شکل‌گیری آسیب‌هایی در فرهنگ مذهبی گردد، به گونه‌ای که گاهی آداب و رسوم یک دانش آموز در جامعه اسلامی به مرور زمان مانند سبک زندگی یک دانش آموز غربی شود.

به نظر نگارنده، امروزه علی‌رغم تعلیم آموزه‌های دینی، در عرصه عمل مشکلات حل نشده و رفتار دینی در زندگی دانش آموزان به طور ملموس دیده نمی‌شود و خود کنترلی<sup>۱</sup> وجود ندارد. به عنوان مثال بسیاری از دانش آموزان ضرورت نماز و حجاب را می‌دانند اما عمل نمی‌کنند که این مسئله تهدیدی جدی در از بین رفتن ارزش‌های اسلامی تلقی می‌گردد و نیازمند غنا بخشیدن به شیوه‌های تعلیم و تربیت است.

به نظر می‌رسد مربیان؛ به عنوان پیام‌رسانان آموزه‌های دین مبین اسلام، باید با دلایل متقن و مستدل و با توجه به شرایط زمان، مکان و توجه به وضعیت روحی مخاطبان در پذیرش پیام دین، گام‌های اساسی بردارند، اما لازمه آن تحول در خود مربیان و درک عمیق دین، همچنین شناخت ویژگی‌های مخاطبان و بهره‌گیری از روش‌های کارآمد در نظام تعلیم و تربیت اسلام است. مهمترین قدم برای مربیان آن است که شیوه‌های عملی قرآن و حدیث را در حوزه معرفت و عمل بدانند مثلاً، در نحوه استدلالات قرآنی و شیوه پاسخ‌های قرآن به مخالفان تحقیق شود.

در آیات قرآن واحادیث ائمه (علیهم السلام) از گروه‌هایی سخن به میان می‌آید که اعتقادشان با عملشان در تضاد است، امام علی (ع) در خطبه شقشقیه می‌فرماید: «بلی! وَاللَّهِ لَقَدْ سَمِعُوها وَ وَعَوْها، وَلَكِنَّهُم حَلَّتِ الدُّنْيَا فِي أَعْيُنِهِمْ، وَ رَاقَهُمُ زُبْرُجُها» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص: ۴۹۹). بنابر این، تنها شنیدن اثری ندارد، بلکه مهم درک کردن و عمل کردن به دستورات دین است. در حدیثی از امیر مؤمنان علی (ع) می‌خوانیم: «ما أفاد العلم من لم يفهم» (آمدی، ۱۳۶۶ش، ص ۶۰)، زیرا انگیزه‌های نیرومند دنیاپرستی و هوای نفس و دلبستگی به زرق و برق دنیا اساس ایمان را متزلزل می‌نماید و عمل را به ورطه فراموشی می‌سپارد لذا می‌فرماید: «من اتبع هواه أعماه و أصمته و أذله و أضله» (همو، ص ۶۵). در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) خطاب به امیر مؤمنان علی (ع) می‌خوانیم: «زمانی فرا می‌رسد که مردم حرام خدا را با شبهات دروغین و هوا و هوس‌های فراموشی آور، حلال می‌شمرند» (شریف الرضی، ۱۴۰۶، خطبه: ۱۵۶).

۱. Self-control

نگارنده درصدد است؛ به مباحث انگیزشی و گرایشی درونی و بیرونی که شکاف بین علم و عمل پدید می‌آورد پرداخته و شکاف بین انسان فاعلِ شناسنده و انسان فاعلِ عاملِ مورد شناسایی قرار گیرد. تا در مباحث تربیتی نتایج مفیدی به همراه آورد. بدیهی است برای تحقیق در مساله « رابطه جهل و جحد» صرف بررسی ماده « جهل و جحد» در قرآن و احادیث کفایت نمی‌کند، چه بسا مفاهیمی که امروزه تحت عنوان « جهل و جحد» به کار می‌بریم، در قرآن و احادیث با تعبیرات دیگری آمده باشد بنابراین لازم است در تحقیق، به آن تعابیر نیز توجه کنیم. به هر حال، این کار می‌تواند یکی از مراحل پژوهش در مساله تلقی گردد. در همین موضوع خاص نیز به هیچ وجه ادعا نمی‌شود که حرف آخر زده شده است، تنها با عرضه نمونه‌ای اجمالی از کار، پیشنهادی برای روش بررسی مفاهیم معرفتی در قرآن ارائه می‌شود.

لازم به ذکر است، بررسی تاریخ اسلام نیز بیانگر این است که پیامبر گرامی ما هم با این مسئله در تبلیغ رسالت دینی خود مواجه بوده است و آیات قرآن کریم نیز دو ساحت متفاوت را به تصویر می‌کشد. لذا با بررسی تفاوت نظری این دو اصطلاح قرآنی تلاش خواهد شد تا به بهبود کارآیی روشهای موجود کمک نماید.

### ۱-۱-۲- پرسش‌های پژوهش

۱- جهل در قرآن به چه معناست و گونه‌های مختلف آن کدام است؟

۲- جحد در آموزه‌های دینی به چه معناست؟

۳- ارتباط بین جهل و جحد با معرفت چگونه است؟

۴- اصول و روش‌های تربیتی در مقابله با « جهل» و « جحد» در فرآیند تربیت دینی چیست؟

### ۱-۱-۳- فرضیه‌های پژوهش

۱- بسیاری از قرآن پژوهان در باره واژه جهل معتقدند؛ جهل از دیدگاه قرآن و حدیث دو معنا دارد، گاهی مراد نا آگاهی است ( جهل در مقابل علم). معنای دوم نا بخردی و سفاهت است ( جهل در مقابل عقل).

۲- لغویان در باره واژه جحد معتقدند؛ جحد، انکار و لجاجت با وجود آگاهی است لذا می‌توان گفت که یک امر روانی محسوب می‌گردد.

۳- به نظر می‌رسد، جحد با جهل ( نا آگاهی) تفاوت ماهوی دارند لیکن با جهل ( سفاهت و ناخردی) تفاوت ماهوی ندارد بلکه می‌توان جحد را از مصادیق آن برشمرد.

۴- رافع آثار سوء نا آگاهی و جهل دانش‌افزایی می‌باشد اما برای مقابله با سفاهت و نا بخردی و همچنین انکار و لجبازی روش‌های تربیتی دیگری لازم است.

در پژوهش حاضر این فرضیه‌ها؛ ما را به چهار نکته، جهت بررسی رهنمون می‌کند؛ نکته اول: موشکافی گونه‌های مختلف جهل در متون دینی است. نکته دوم: تبیین جحد در متون است. نکته سوم: پرداختن به ارتباط بین جهل و جحد با معرفت

است. نکته چهارم: ارائه ی راهکارهای مصون ماندن از آنها در فرایند تربیت دینی است، با این امید، پذیرش عملی ارزش های دینی نسل جوان، گامی برای رسیدن به هدف نهایی در آموزش و پرورش دوره معاصر باشد.

#### ۱-۱-۴- روش پژوهش

پژوهش حاضر به تناسب موضوع، به روش اسنادی یعنی تحلیل و تفسیر مفهومی خواهد بود، با مراجعه به کتب فقه اللغه و کتب دینی که مفاهیم جهل و جحد به صورت تحلیلی مورد بررسی قرار خواهد گرفت سپس با مراجعه به کتب و مقالاتی که در باره جهل و عقل از صاحبان اندیشه به یادگار مانده، ابتدا فیش برداری، سپس طبقه بندی نموده و به رشته تحریر در می آید.

#### ۱-۱-۵- پیشینه پژوهش

مفهوم « جهل » در ادوار گوناگون از مفاهیم اساسی بوده، و در دوران معاصر کتابها، پایان نامه ها و مقالات گوناگون با عناوینی همانند « جاهلیت قرن بیستم»، « شرح حدیث جنود عقل و جهل»، « جهل از دیدگاه قرآن و راههای رفع آن »، « معنا شناسی جهل در قرآن کریم با رویکرد ساختاری» و ..... به رشته تحریر در آمده است، شاید إحصاء آنها به دلیل کثرت مشکل باشد و این خود دلیل اهمیت مسأله می باشد. با بررسی این منابع، مشاهده شد در ارتباط با مفهوم جهل و ارتباط آن با عقل و علم دیدگاه های مختلفی بیان شده است، اما تاکنون پژوهش مستقلی به بررسی ارتباط جهل و جحد و شیوه برخورد با جاهلان و جاحدان اختصاص نیافته است، لذا در این زمینه، پیشینه عام بوده، و از جهاتی با موضوع مرتبط می گردد. بنابر این، پرداختن به این ویژگی ها، این نوشته را از آنها متمایز می کند. از میان کتابها و مقاله ها می توان به موارد ذیل اشاره نمود، که به نظر می رسد، بهترین ها در موضوع بحث این رساله باشند. برخی از این پیشینه ها، به شرح ذیل است:

۱- محبتی در کتابی ذیل عنوان *قرآن از دیدگاه قرآن (اعراض از قرآن)*، مراتب اعراض از قرآن را عدم استماع، کفر به قرآن، استهزاء، مقابله، مجادله، سوءاستفاده، تردید، تکذیب، مبارزه، بهانه جویی و .... بیان می کند، و در مباحث خود با استناد به آیات قرآن کریم، چنین افراد را ظالم، ستم کارترین، فاسق، دروغگو و منافق معرفی می کند. در بخش دیگر به عوامل اعراض از دیدگاه قرآن را ( جهل، عدم درک صحیح، سستی ایمان، استکبار هوی و هوس، دنیا طلبی حق گریزی .... ) می داند و در بخش های دیگر، کیفیتهای دینوی و اخروی را یادآور می شود (ر.ک: محبتی، ۱۳۸۷ش، ص ۸۹).

۲- دودی در کتابی ذیل عنوان *نقش معلم در تربیت دینی* در فصل دوم کتاب به دینداری مورد قبول اسلام، و مراتب و درجات آن اشاره کرده است، می نویسد؛ در طول تاریخ اسلام با انواع دینداری مواجه هستیم ( گونه ای از دینداری تأکیدش بر عمل است، گونه دیگر تأکید بر شناخت دارد، گونه ای دیگر بر احساسات و تجربیات عرفانی تأکید می ورزد). وی در این بخش دیدگاه دکتر سروش را درباره انواع دینداری بیان کرده است، و سپس آن را نقد می نماید و پس از آن، دین داری مورد قبول اسلام را توضیح می دهد، با توجه به اینکه، اسلام دینی است، که به همه ابعاد ( شناختی، اعتقادی، عبادی، اخلاقی، آدابی، اقتصادی، سیاسی و ...)، توجه دارد و شواهد مختلف از جمله سخن پیامبر (ص) را بیان می کند ( ایمان شناخت قلبی، گفتار زبانی، عمل به اعضا و جوارح است)، اگر تأکید بر برخی ابعاد به منظور غفلت از ابعاد دیگر، و

افراط در برخی امور باشد، از دیدگاه اسلام مذموم است، سپس به مبحث درجات ایمان و آثار آن از دیدگاه آیت الله سبحانی، می‌پردازد (داودی، ۱۳۹۵ش، ص ۴۳-۴۶).

۳- اسکندری در رساله‌ای با عنوان «معناشناسی جهل در قرآن کریم با رویکردی ساختاری» از طریق معناشناسی، به همبستگی معنایی آیاتی که به شکل موضوعی با جهل ارتباط دارند، پی برده است، حاصل آن این است، در آیات قرآن مفهوم جهل در لغت و تفسیر، غالباً در تقابل با مفهوم علم (عدم آگاهی و شناخت)، و در مواردی هم در تقابل با عقل و یا حلم است. همچنین دارای معنای ایجابی است و به معنای بازی کردن، و به بازی گرفتن به همراه جدل، خصومت و غفلت است، و مانع رشد انسان و منشأ صفات ناپسند است (ر.ک: اسکندری، ۱۳۹۳ش).

۴- دینی در پایان نامه‌اش ذیل عنوان «جهل از دیدگاه قرآن و راههای رفع آن»؛ جهل را بی‌علمی، بی‌عقلی و بی‌حلمی دانسته است، که در دو حوزه‌ی معرفت و روان، قابل تقسیم به جهل معرفتی و جهل روان‌شناختی می‌باشد. کلمات قریب المعنای آن را (سفه، ظن، شک، جنون، غم‌ت، غطاء، عمی و خفت) و متباین المعنای آن را (علم، عقل، حلم، معرفت، یقین، فکر، بصیرت و فقه) معرفی نموده است و پیامدهای اعتقادی آن را کفر و ورزی و شرک دانسته و لی پیامدهای رفتاری آن را بهانه جویی، تعصب و تقلید بیان کرده است، راه‌های درمان جهل معرفتی را با علم آموزی و خرد ورزی بیان کرده است، اما جهل‌های روانی، در بسیاری از موارد نیازمند درمان‌های روان‌شناختی است. مواردی چون ایمان، تقوا، صبر و شکر را از راهکارهای عملی برای زدودن جهل از صفحه قلب و صحنه‌ی عقل دانسته است (ر.ک: دینی، ۱۳۹۲ش).

۵- متقی‌فر در مقاله‌ای با عنوان «گریز از دانایی و بیداری یا بی‌رغبتی به آن بیان می‌دارد؛ با عنایت به گرایش فطری انسان در امر درک و فهم و بیداری و هشیاری، در عین حال، مشاهده می‌شود برخی انسان‌ها به این موضوع فطری رغبت نشان نمی‌دهند، یا از آن گریزان‌اند. یکی از آنها مرتبط با گریز از معرفت، و دیگری مرتبط با ترجیح بی‌خبری و غفلت است. فرایند علم‌گریزی یا ترجیح غفلت در هر فردی، عوامل خاص خودش را دارد، عوامل پیچیده‌ای که گاه قابل شناسایی نیست. این عوامل ممکن است فردی، خانوادگی، اجتماعی و گاهی نیز معجونی از مجموعه عناصر باشد. در عین حال، در این نوشتار، برداشت ناصواب از سود و زیان علوم، اکتفا به گمان، محبت یا نفرت افراطی، خودفریبی، تعصبات کور، ظاهربینی و کبر و نخوت علل احتمالی فرار از دانایی و ترجیح غفلت‌زدگی به حساب آمده است (متقی-فر، ۱۳۸۹ش، ص ۴۵-۶۲).

## ۱-۲- مفهوم‌شناسی

در این بخش، هدف از بررسی دو مفهوم «جهل» و «جحد»، تمهید زمینه برای فصول بعدی است، لذا شناخت مرزهای معنایی دو واژه «جهل» و «جحد» از منظر معناشناختی، بررسی معنای لغوی، قرآنی و اصطلاحی آن در علم اخلاق ضروری به نظر می‌رسد. چرا که با مشخص شدن مرزهای معنایی دو مفهوم به بیان دیدگاه تربیتی اسلام در خصوص تعلیم و تربیت مورد نظر در خصوص جاهلان و جاحدان می‌توان دست یافت.

در این شیوه لازم است از روش‌های مختلف بهره جست که یکی از روش‌ها بررسی بافت یا سیاق مفهوم است؛ یعنی کلماتی که دارای اشتراک معنایی هستند، باید با توجه به بافتی که در آن قرار گرفته اند روشن شود کدام یک از آن معانی

مراد بوده است، در این امتداد مفهوم دو واژه جهل و جحد در سیاق آیات و روایات مورد توجه قرار می‌گیرد، تا معانی مختلف دو کلمه مورد نظر بر حسب سیاق آیات بررسی گردد تا معلوم شود چه معنایی از آن کلمه منظور نظر است ( باقری، ۱۳۸۷ش، ص ۳۶). از روش‌های دیگر تحلیل بر حسب مفاهیم قریب المعنا است؛ به این معنا که اگر واژه‌ای در یک عبارتی استعمال شده باشد و در جایی دیگر همان عبارت تنها با اختلاف در همان یک واژه خاص به کار رفته باشد، می‌توان فهمید که واژه مورد نظر با واژه‌ای که در بافت دوم به کار رفته مترادف است، در این صورت مترادف میان واژه‌ها به روشن کردن مفاهیم مورد نظر کمک می‌کند (همو، ص ۳۹). لازم به تذکر است منظور از قریب المعنا در اصطلاح علوم قرآنی به مفهوم مترادف در ادبیات فارسی می‌باشد. از روش‌های کاربردی دیگر، تحلیل بر حسب مفاهیم متضاد است و چون مفاهیم متضاد با هم جمع نمی‌شوند بنابر این می‌توان گفت وجود ویژگی‌هایی در یک مفهوم، نشان می‌دهد در مفهوم متضاد آن، آن ویژگی وجود ندارد، مثلاً اگر بگوئیم جهل در مقابل عقل است نه در مقابل علم. لذا جهل با علم قابل جمع خواهد بود، پس بایستی با شناسایی عناصر مفهومی عقل، عناصر جهل را شناسایی کرد. از دیگر روش‌ها، تحلیل بر حسب شبکه معنایی است، در این روش، استفاده از روش ارتباط اشرافی مورد نظر قرار می‌گیرد، که در این روش شبکه مفهومی یک هسته اصلی دارد و باقی مفاهیم در حول و حوش آن هستند. مفاهیم پیرامونی فرقی با مفهوم هسته‌ای ندارند، بلکه جلوه‌هایی از آن هستند (همو، ص ۴۰؛ و نیز ر.ک: فتاحی‌زاده و امینی، ۱۳۹۵ش، ۱۲).

در امتداد تحلیل مفاهیم « جهل » و « جحد » از آیات قرآن کریم، تفاسیر و کتب روایی استفاده خواهد شد.

لازم به ذکر است در این فصل برای تحلیل مفهومی دو کلمه « جهل » و « جحد » از دو روش تحلیل بر حسب مفاهیم مترادف و متضاد کمک گرفته خواهد شد، اما به جهت کثرت مطالب، بررسی بافت و تحلیل بر حسب شبکه معنایی در فصول بعدی انجام خواهد شد.

## ۱-۲-۱- جهل

بررسی قلمرو معنایی « جهل » دارای سه زیر مجموعه خواهد بود که به ترتیب عبارتند از: بررسی مفهوم لغوی، اصطلاح جهل در علم اخلاق با نظریه دیدگاه خواجه نصیر طوسی و جهل در قرآن.

### ۱-۲-۱-۱- مفهوم لغوی جهل

علمای علم لغت « جهل » را نقیض علم می‌دانند ( فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ۳۹۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۱۲۹). همچنین صاحب العین " الجهاله " را به معنای انجام دادن ناآگاهانه یک عمل می‌داند (همو).

ابن فارس دو معنای اصلی برای « جهل » در نظر می‌گیرد: مخالف علم (نادانی)، و دیگری به معنای سبکی و اضطراب، که بر خلاف آرامش و طمأنینه است، و از همین معنای دوم است که به چوبی که با آن تکه‌های آتش را حرکت می‌دهند، مجهل می‌گویند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۸۹).

بنابراین جهل در کتاب‌های لغت، به معنای مختلفی آمده است: ۱- نقیض علم و آگاهی (به معنای نادانی)، ۲- انجام دادن ناآگاهانه یک عمل، ۳- سبکی و اضطراب، خلاف آرامش و طمأنینه است.



## ۱-۲-۱-۲- جهل در اصطلاح علم اخلاق

خواجه نصیرالدین طوسی از دانشمندان تأثیر گذار در جهان اسلام است. وی در یکی از کتاب‌هایش به نام اخلاق ناصری نخست مبادی اخلاق، سپس مباحث اخلاقی و در پایان مباحث مربوط به تربیت اخلاقی را بیان می‌کند.

وی در فصل پنجم از قسمت اول کتاب به بیان اضداد اجناس فضایل، یعنی ردایل پرداخته و با استناد به آیات ۷ و ۱۰ سوره البقره<sup>۱</sup> ردایل را بیماری دل می‌شمارد و این نوع بیماری را انحراف نفس از سلامت و اعتدال بیان کرده است.

او ردایل را اضداد فضایل می‌داند، که چهار نوع است، جهل که ضد حکمت، جبن ضد شجاعت، شره که ضد عفت و جور ضد عدالت است. در ادامه، بیان می‌کند هر فضیلتی را حدی است، که چون از آن حد تجاوز کند خواه غلو و خواه تقصیر آن، به ردیلت منتهی می‌گردد (طوسی، بی‌تا، ص ۸۱). وی برای ردائل اخلاقی، سلسله مراتب قائل است؛ این امر را بر مبنای میزان تأثیر منفی ردائل اخلاقی بر نفس به دست آورده است، برای نمونه، درباره امراض قوه نظری سه نوع از آنها را از بقیه قوی‌تر و ویران‌گر تر می‌داند. اول: حیرت، دوم: جهل بسیط، سوم: جهل مرکب. نوع اول را از قبیل افراط و نوع دوم را از قبیل تفریط و نوع سوم را از جهت ردائت می‌داند. وی جهل بسیط را فقدان علم نسبت به موضوعی می‌داند، بدون آنکه تصور دانستن آن را بکند، این جهل در ابتداء مذموم نیست، زیرا شرط آن کسب علم است و شخص می‌داند که نمی‌داند، اما در جهل باقی ماندن و عدم تحرک در مسیر یاد گیری مذموم می‌باشد، و اگر فرد به آن قانع شود، به تباهی و ردیلت تن داده و در شمار حیوانات، گاهی پست تر از حیوانات محسوب شود، و علاج این بیماری تفهیم حقیقت به بیمار است. جهل مرکب ناشی از فقدان علم است، نسبت به موضوعی همراه با اعتقاد، به این معنا که آن را می‌داند، یعنی با وجود جهل شخص نمی‌داند که جاهل است، و این اوج ردایل است، به نظر او این نوع بیماری نفس، درمان ندارد، چون شخص به جهل خودش آگاهی ندارد، یا اگر آگاه باشد، در پی رفع آن برنیاید. خواجه در این وجه، جهل را، بهتر از این گونه علم می‌داند (همو، ص ۱۳۷-۱۳۸).

## ۱-۲-۱-۳- جهل در قرآن

بخش قرآنی جهل دارای چهار زیر مجموعه خواهد بود که به ترتیب عبارتند از: بسامد جهل، معنای جهل در قرآن و شناسایی واژه‌های قریب المعنا و متضاد آن. که در این بخش به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

## ۱-۲-۱-۳-۱- بسامد جهل

در کتاب المعجم المفهرس نوشته شده که جهل در قرآن با ماده (ج ه ل) در مجموع ۲۴ بار در قالب های اسمی (الجاهل - جاهلون - الجاهلین - جهولا - بجهاله - الجاهلیه) و فعلی (تجهلون - یجهلون) بکاررفته است (عبد الباقی، ۱۳۶۴ ش، ۱۸۴).

## ۱- در قالب اسم فاعل مانند (الجاهل - الجاهلین - جاهلون)

۱. البقره: ۷: «حَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ البقره: ۱۰؛ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ».

## - الجاهل -

« لِّلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْمَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْفَافًا وَ مَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ » (البقرة: ۲۷۳)؛ « این صدقات [ برای آن دسته از] نیازمندی است که در راه خدا فرومانده‌اند، و نمی‌توانند [ برای تأمین هزینه زندگی] در زمین سفر کنند. از شدت خویشتن‌داری، فرد بی‌اطلاع، آنان را توانگر می‌پندارد. آنها را از سیمایشان می‌شناسی. با اصرار، [چیزی] از مردم نمی‌خواهند. و هر مالی [به آنان] انفاق کنید، قطعاً خدا از آن آگاه است.»

## - الجاهلین -

« وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبُحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوعًا قَالِ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ » (البقرة: ۶۷)؛ « و هنگامی که موسی به قوم خود گفت: «خدا به شما فرمان می‌دهد که: ماده گاوی را سر ببرید»، گفتند: «آیا ما را به ریشخند می‌گیری؟» گفت: «پناه می‌برم به خدا که [مبادا] از جاهلان باشم.»

## - جاهلون -

« قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَ أَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ » (یوسف: ۸۹)؛ گفت: « آیا دانستید، وقتی که نادان بودید، با یوسف و برادرش چه کردید؟»

## ۲- در قالب مصدر صناعی مانند (الجاهلیه)

« وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ أَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ اطَّعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا » (الأحزاب: ۳۳)؛ «و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیتِ قدیم زینتهای خود را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید. خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.»

## ۳- در قالب مصدر از ثلاثی مجرد بر وزن فَعَالَه (جهاله)

« إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا » (النساء: ۱۷)؛ « توبه، نزد خداوند، تنها برای کسانی است که از روی نادانی مرتکب گناه می‌شوند، سپس به زودی توبه می‌کنند اینانند که خدا توبه‌شان را می‌پذیرد، و خداوند دانای حکیم است.»

## ۴- در قالب اسم مبالغه (جهولا)

« إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَسْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا » (الأحزاب: ۷۲)؛ «ما امانت [الهی] و بار تکلیف [ را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم، پس، از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند، و [الی] انسان آن را برداشت راستی او ستمگری نادان بود.»

## ۵- در قالب جمع مذکر مخاطب فعل مضارع (تجهلون)

« وَ جَاوِزْنَا بِنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ » (الأعراف: ۱۳۸)؛ « و فرزندان اسرائیل را از دریا گذراندیم. تا به قومی رسیدند که بر [پرستش] بت‌های خویش همت می‌گماشتند. گفتند: « ای موسی، همان گونه که برای آنان خدایانی است، برای ما [نیز] خدایی قرار ده. » گفت: « راستی شما گروهی هستی که نادانی می‌کنید. »

## ۶- در قالب جمع مذکر غایب از فعل مضارع (یجهلون)

« وَ لَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَ كَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَ حَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ » (الأنعام: ۱۱۱)؛ « و اگر ما فرشتگان را به سوی آنان می‌فرستادیم و [اگر] مردگان با آنان به سخن می‌آمدند، و هر چیزی را دسته دسته در برابر آنان گرد می‌آوردیم، باز هم ایمان نمی‌آوردند- جز اینکه خدا بخواهد- ولی بیشترشان نادانی می‌کنند. »

## ۱- ۲- ۳- ۲- معنای جهل در قرآن

راغب جهل را در کتاب المفردات به سه گونه تقسیم کرده است:

اول: خالی بودن نفس از علم و دانش که معنای اصلی آن است.

دوم: اعتقاد به چیزی برخلاف آنچه که هست.

سوم: انجام کاری برخلاف آنچه که حق آن است (خواه آن صحیح باشد و یا ناصحیح باشد) (راغب، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۰۹).  
راغب با استناد به آیه شریفه « قَالُوا أَلَمْ نَخِذْنَا هُزُؤًا قَالُوا أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ » (البقره: ۶۷) فعل هزوا را از مصادیق جهل می‌داند و معتقد است جاهل در اکثر مواقع مورد مذمت است، مانند آیه شریفه « فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ » (الحجرات: ۶)، و برخی موارد مورد ذم و نکوهش نمی‌باشد، مانند « يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ » (البقره: ۲۷۳) یعنی به حالشان آگاهی ندارد که ویژگی جهل در این آیه مذموم نیست (همو، ص: ۲۰۹).  
علمای لغت همچون طریحی جهل را خلاف علم تعریف کرده است (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۵، ص ۳۴۶)، و قرشی آن را به معنی نادانی و جاهل را نادان، سفیه و بی‌اعتنا تعریف کرده است (قرشی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲، ص ۸۱).

/ایزوتسو واژه جاهل (جهل) را مقابل حلم می‌داند و معتقد است، علت جاهلیت، تکبر حاصل شده از نادانی انسان نسبت به خدا نبوده است، به همین جهت در قرآن کلمه استکبار (مغرور و متکبر بودن) در توصیف کافران بکار برده است، بلکه روح تکبر آمیز، استقلال کفار، به خاطر احساس شرفشان بوده، که از سر فرود آوردن در برابر هر قدرتی، خواه الهی و خواه انسانی امتناع می‌کردند، و کفار را بر آن وا می‌داشت که قاطعانه‌ترین مخالفت را با دین جدید نشان دهند (ایزوتسو، ۱۳۶۱ ش، ص ۲۶۱-۲۶۳). وی پس از بررسی اشعار زمان جاهلیت، تحقیق در آیات قرآن مجید، سه معنا برای جهل بیان می‌کند. معنای نخست: جهل، الگوی برجسته رفتار تندخوی بی‌پروایی است که با اندک انگیزختگی، ممکن است قدرت تسلط بر نفس را از کف بدهد و در نتیجه بی‌باکانه به عمل برخیزد، و هوس کور غیرقابل مهار کردنی، محرک او باشد، بی‌آن که هیچ در آن بیندیشد که پیامد عمل مصیبت بار او چه خواهد بود ... در مقابل این جنبه از جهل، تصور حلم است.

معنای دوم جهل: نتیجه معنای اول جهل، است، یعنی ضعیف شدن عقل و ناکارآمدی آن در درک حقایق دینی، و نداشتن بینش صحیح نسبت به خود است. معنای سوم جهل: عدم علم است (همو، ص ۲۷۶-۲۷۷).

در متون قرآنی «جهل» گاهی به معنای نادانی و ندانستن است اما در اغلب موارد «جهل» در مقابل «عقل» کاربرد بیشتری دارد، و به معنای نسنجیدگی، سفاهت و بی‌اعتنائی، و روی برتافتن از حق و پیروی از باطل و انجام اعمال ناشایست و گناه است که مذموم است. در کتب فارسی در باره معنای «جهل» آمده است، معنای نخست با توجه به بعد علمی و نظری انسان و معنای دوم با عنایت به بعد عملی و رفتاری وی است (دایره المعارف قرآن کریم، ۱۳۹۱، ج دهم، ص: ۲۳۵)

### ۱-۲-۳-۳- واژه‌های قریب المعنای جهل

بررسی و احصاء واژه‌های قریب المعنای جهل آن را شفاف و به درک معنای مندرج آن واژه در یک حوزه فرهنگی کمک می‌کند، باقری معتقد است " اگر واژه‌ای در یک عبارتی استعمال شده باشد و در جایی دیگر همان عبارت تنها با اختلاف در همان یک واژه خاص به کار رفته باشد، می‌توان فهمید که واژه مورد نظر با واژه‌ای که در بافت دوم به کار رفته مترادف است، در این صورت مترادف میان واژه‌ها به روشن کردن مفاهیم مورد نظر کمک می‌کند (باقری، ۱۳۸۷، ص ۳۹).

چه اینکه مفاهیم قریب المعنای فی الواقع در ادبیات فارسی همان مترادف است که می‌توان گفت این واژه‌ها دقیقاً هم‌معنا نیستند، بلکه هر کدام بار معنایی خاص داشته و به جنبه خاصی، تاکید دارند. در این بخش، برخی از واژه‌های قریب المعنای جهل، مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱- *سفه*: *راغب* می‌نویسد: «سفه» سبکی در بدن و سبکی در نفس، در اثر خفت روحی و نقصان عقل است، که در امور دنیوی و اخروی بکار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۱۴).

در *قاموس المحيط* در مقابل واژه "السفه" آمده است: "خفه الحلم او نقیضه او الجهل .... سفه: جهل (فیروز آبادی شیرازی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۹۸).

در کتاب *الوجوه والنظائر* در توضیح «السَّفَه» دو معنی را بیان می‌کند یکی از معانی «السَّفَه» را جهل بیان می‌کند همچون در آیات «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السَّفَهَاءُ» (البقره: ۱۳) و «سَيَقُولُ السَّفَهَاءُ» (البقره: ۱۴۲) و همچنین آن را ضد «حلم»<sup>۱</sup> دانسته است (دامغانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص: ۴۳۹).

در قرآن، گاهی سفه، در مقابل عقل و به معنای حماقت بکار رفته است. علامه *طباطبائی*، سفاهت در آیه «وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ» (البقره: ۱۳۰) را به معنای حماقت تفسیر کرده‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۰۰).

در روایات نیز، گاهی عقل و سفه، در مقابل یکدیگر به کار رفته است: «لا يحلم عن السفیه الا العاقل» (آمدی، ۱۳۶۶، ص: ۷۴)، و به معنای جهل است.

<sup>۱</sup>حلم: آرامی و توازن عقلی و تسلط بر نفس و استقامت رأی است (ایزوتسو، ۱۳۶۱ش: ص ۲۶۵).